خراسان روزنامه صبح ایران
سه‌شنبه ۱۷ مهر ۱۳۹۷ . ۲۹ محرم ۱۴۴۰ . شماره ۱۹۹۳۴

اثری برای آشنایی
با تاریخ «اقتصاد سیاسی ایران»

«اقتصاد سیاسی ایران؛ از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی»، عنوان کتابی مستند و محققانه از دکتر محمدعلی همایون کاتوزیان، استاد ایرانی دانشگاه آکسفورد است. نویسنده در این کتاب، به‌ویژه در بخش‌های مربوط به دوره پهلوی، با ارائه آمار و ارقام مستند، به بررسی و ارزیابی شرایط اقتصادی این دوره که ارتباط مستقیمی با طرح‌های مدرنیزاسیون شاه داشت، می‌پردازد. کتاب «اقتصاد سیاسی ایران»، توسط محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی ترجمه و از سوی نشر مرکز، روانه بازار نشر شده است.

گزارش تاریخی

ترجمه متون غربی در ایران چگونه آغاز شد؟

فتحعلی‌شاه قاجار

سابقه ترجمه از زبان‌های اروپایی در متون دوران قاجار، به دوران سلطنت فتحعلی‌شاه باز می‌گردد. جرقه اندیشه ترجمه کردن متون غربی در این دوره، ابتدا با دریافتِ یک نامه از ناپلئون زده شد. به گزارش خبرگزاری ایبنا، در این دوره، جریان ترجمه نوشتاری با استفاده از مترجمان هیئت‌های نظامی خارجی برای ترجمه نامه‌ها، قراردادها و نوشتارهای دیپلماتیک و در مرحله بعد، درخواست ترجمه کتاب‌ها و رسالات شکل گرفت. پس از پایان جنگ با روسیه تزاری، دومین گروه محصلان ایرانی به اروپا اعزام شدند. در میان این افراد، حضور «میرزا صالح» که برای تحصیل زبان و مترجمی به خارج از ایران رفته بود، جالب توجه است. عباس میرزا که متولی این اعزام بود، به این نتیجه رسید که برای گسترش روابط با جهان، فهم و درکِ زبان‌های دیگر، یکی از نیازهاست. به همین دلیل، در کنارِ محصلانی که برای تحصیل در صنایع نظامی، مهندسیِ و پزشکی به اروپا اعزام شدند، یک نفر را هم برای تحصیلِ ترجمه به اروپا فرستاد.

یکی از اقدامات فتحعلی‌شاه برای گسترش روابط با جهان، اعزام سفیر به کشورهای دیگر بود که برخی از آن‌ها با زبان‌های خارجی آشنایی داشتند. از جمله این افراد، باید به ملک‌شاه‌نظر شاپوریان (میرداود ضادوریان) اشاره کنیم که از ارامنه بغداد بود. او بعدها در سال ۱۲۳۳ هـ.ق، کتاب کوچکی به نام «وضع حالیه ایران» به سه زبان فارسی، فرانسه و ارمنی منتشر کرد. مدتی بعد، فتحعلی‌شاه، میرزا ابوالحسن خان شیرازی را به سمت وزارت دول خارجه منصوب کرد و او، مأمور حل اختلافات در عهدنامه گلستان شد. به همین منظور، میرزا ابوالحسن خان، فردی به نام ویلیامن را که زبان روسی می‌دانست، به عنوان مترجم استخدام کرد. در دوران فتحعلی‌شاه، ۱۳ قرارداد دوزبانه منعقد شد. یعنی به طور متوسط، در هر دو سال و اندی، یک قرارداد در دوران فتحعلی‌شاه منعقد شد. وجود مباحث تخصصی در این قراردادها و لزوم ارائه ترجمه صحیح از آن‌ها، از عمده دلایل توجه به موضوع ترجمه در این دوران بود. یکی از دلایل اصلی انتخاب میرزا ابوالحسن خان شیرازی به عنوان وزارت دول خارجه نیز، همین آشنایی او با زبان‌های خارجی بود و همین موضوع، لزوم توجه به یادگیری این زبان‌ها را به اهالی دربار و رجال مملکتی گوشزد کرد.

پس از این دوره بود که توجه به زبان‌آموزی در این قشرها گسترش پیدا کرد. از دیگر دلایل توجه به این مسئله، تردد خارجیان به ایران و لزوم برقراری ارتباط با آنان بود. در این موارد، بهره‌گیری از ارمنیان به عنوان مترجم، راه حلی بود که شاه و ولیعهد از آن بهره می‌بردند. در این دوره، خارجیانی که در ایران به امور تجاری مشغول بودند، به آموزش زبان خارجی به ایرانیان پرداختند. به عنوان نمونه، در سال ۱۲۵۴ هـ.ق، بنگاهی به نام «دارالعلم شناسایی ملل» در تبریز بر پا شد. هدف این بنگاه که فردی به نام «موسیو بوره» آن را افتتاح کرد، آشنایی ایرانیان با اروپا و اولویت آن آموزش زبان فرانسوی به ایرانیان بود.

در این دوره، در میان شاهزادگان و اشراف کسانی یافت می‌شدند که آشنایی قابل توجهی با زبان فرانسوی داشتند. اوژن فلاندن در سفرنامه‌اش می‌نویسد: «مصاحبه ما با ملک‌قاسم میرزا به طول انجامید و همگی در حیرت که چطور به این خوبی زبان ما را تکلم می‌نماید. به ما گفت این زبان را از یک خانم فرانسوی، مادام ماری‌یز که اکنون در طهران است، آموخته.» (سفرنامه اوژن فلاندن به ایران. ص: ۷۱) مادام ماری‌یز که به دلیل فوت شوهرش، امکانات لازم را برای خروج از ایران نداشت، در آن دوره، معلم فرانسوی فرزندان شاه و عباس میرزا بود. در این دوره، حضور میسیونر مسیحی نیز، از جمله راه‌های آشنایی ایرانیان با زبان‌های خارجی بود.

نقدهای «احسان نراقی» به روند مدرنیزاسیون در دهه ۵۰

دیکتاتوری و فراماسونری؛ موانع «توسعه بومی» در ایران

گروه اندیشه
info@khorasannews.com

مدرنیزاسیون و به طور کلی اندیشه توسعه و پیشرفت، تفکری بود که در دوران قاجار و با عباس میرزا و پس از آن، امیرکبیر آغاز شد. به گزارش مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ناصرالدین‌شاه در دوران طولانی پادشاهی خود، به شکلی بدوی و ناقص، درصدد مدرن کردن ایران برآمد. روندی که با بروز انقلاب مشروطه، وارد مرحله جدیدی شد و اوج آن را می‌توان در دوران پهلوی مشاهده کرد. هرچند تفاوت‌های آشکاری میان نگاه قاجار و پهلوی به مدرنیزاسیون وجود داشت، ولی هر دو در یک اصل که آن استبداد بود، اشتراک داشتند. نگاه ابزاری و سطحی پهلوی دوم به توسعه، غالباً در رشد اقتصادی و ورود نهادهای برگرفته شده از سنت غربی معطوف بود؛ به همین دلیل است که این نگاه به توسعه، هیچ‌وقت به پیشرفت منتج نشد. نگاه پهلوی دوم به فرایند مدرنیزاسیون، همچون پدرش، تنها از طریق ارتش و نیروی نظامی قابل تصور بود؛ به همین دلیل، محمدرضا پهلوی، هیچ‌گاه اجازه نهادنهادها و تشکل‌های مدنی که لازمه توسعه و مدرنیزاسیون در کشور هستند، با نظر و خواسته مردم شکل بگیرند و همواره در تمامی مسائل مملکت، ورود می‌کرد. شاه با تصور این که ایران، ملک وی و ساکنانش، مردمی بدون تفکر و نظر هستند، این اجازه را برای خود قائل بود که در جزئی‌ترین برنامه‌های کشور دخالت و مانند یک فرمانده نظامی، نظر خود را اعمال کند. غافل از این که با این شیوه، امکان حکومت‌داری وجود نخواهد داشت و حداقل در مسیر اجرای مدرنیزاسیون، ممکن نیست بدون در نظر داشتن خواسته‌های مردم، این موضوع محقق شود. همین شیوه عملکرد محمدرضا پهلوی، باعث شد که علاوه بر منتقدان وی، برخی از مشاورانش نیز به او انتقاد کنند و نحوه رفتاری راخلاف اصول سیاستمداری، حکومت‌داری و دموکراسی بدانند. در این مطلب به بررسی دیدگاه‌های احسان نراقی درباره برنامه‌های محمدرضا پهلوی برای مدرنیزاسیون ایران، می‌پردازیم.

احسان نراقی (سمت چپ) در کنار امیر عباس هویدا

■ احسان نراقی کیست؟

احسان نراقی، فرزند یک خانواده اهل علم در کاشان بود. به‌واسطه علاقه فراوان پدرش به تحصیل علم، وی از همان آغاز، علاقه خود به تحصیل دانش را نشان داد، به همین دلیل، پس از اخذ مدرک دیپلم از مدرسه دارالفنون، دوسالی را در رشته حقوق در دانشگاه تهران تحصیل کرد. نراقی پس از دو سال و برای ادامه تحصیل، راهی سوئیس شد و از همان زمان، به‌واسطه ارتباطاتی که با چپ‌ها برقرار کرد، وارد دنیای سیاست شد. وی همیشه مخالفت خود را با فعالیت احزاب کمونیستی در ایران اعلام می‌کرد، تا جایی که همزمان با فعالیتش در یونسکو، به شدت با ترویج کمونیسم در ایران به مخالفت برخاست و بهترین حکومت برای ایران را مشروطه سلطنتی دانست. هرچند شخصیت علمی نراقی را باید از شخصیت سیاسی وی جدا کنیم، ولی در پی ارتباط نزدیک فعالیت‌های علمی و سیاسی او، می‌توان این دو ویژگی را برای وی در نظر گرفت. احسان نراقی که به مدت ۱۲ سال ریاست مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران را بر عهده داشت، براثر فعالیت در همین موسسه و به‌سبب ارتباط خانوادگی‌ای که با فرح داشت، در اواخر حیات رژیم پهلوی، به عنوان مشاور شاه فعالیت می‌کرد. در کنار فعالیت‌های علمی و سیاسی، نراقی همواره اعتقاد راسخی به اصلاحات داشت و هیچ‌گاه انقلاب را پدیده‌ای مثبت ارزیابی نمی‌کرد؛ با این حال وی انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ را، به دلیل استبداد بیش از حد محمدرضا پهلوی نقد نکرد و این اقدام را در آن شرایط، مناسب ارزیابی کرد. باور نراقی به اصلاحات و توسعه از مسیر آن، باعث شد نقدهای بسیاری از سوی

> به باور نراقی، حتی اگر قرار بود فراماسونری، متظاهرانه، در مسیر توسعه دموکراسی و پیشرفت گام بردارد، با دخالت‌های مستقیم و غیر مستقیم شاه، مسیر دیگری در پیش گرفت. به همین دلیل است که نراقی، خیانت‌های جریان فراماسونری در ایران را، تنها متوجه خود آن‌ها نمی‌دانست، بلکه آن را به شاه نیز، نسبت می‌داد. البته فارغ از باور نراقی، حضور فراماسونرها در ایران، صرف نظر از اعتقاداتی که داشتند، آفت‌های بسیاری برای کشور داشت و خسارت‌های جبران ناپذیری در پی آورد

او، به نحوه مدرنیزاسیون شاه وارد شود.

■ نقدهای نراقی

احسان نراقی به واسطه نوع فعالیت‌های علمی و روابط عمیقی که با بسیاری از سیاسیون و محققان داشت، همواره بر این نظر بود که تنها با توجه همه‌جانبه به امور، امکان توسعه و مدرنیزاسیون در ایران وجود دارد. او مکرر به شخص شاه و سیاسیون گوشزد می‌کرد که توسعه اقتصادی و افزایش ثروت کشور، به معنای مدرنیزاسیون و پیشرفت نیست، بلکه اقتصادی که برآمده از تفکر بنیادی نباشد و از فروش نفت حاصل شود، راهی جز فساد و تباهی به دنبال نخواهد داشت. به باور نراقی، محمدرضا پهلوی، در سال‌های نخست سلطنتش، هرچند از سر ناچاری، اندکی در مسیر دموکراسی حرکت می‌کرد؛ ولی با وقوع کودتای ۲۸ مرداد و ورود پول‌های نفتی به ایران، نه تنها این مسیر را ادامه نداد، بلکه بر اثر بی‌توجهی به خواسته‌های مردم، هر اقدامی که در مسیر مدرنیزاسیون و توسعه نیز صورت می‌داد، نتیجه‌ای جز شکست نداشت؛ زیرا مهم‌ترین مسئله در مسیر توسعه، درک کافی از بافت زندگی مردم بود و شاه هیچ‌گاه چنین درکی نداشت. نراقی بر این نظر بود که شاه اساساً تصور اشتباهی از مدرنیزاسیون دارد. وی دو ایراد اساسی به مدرنیزاسیون شاه وارد می‌کرد؛ نخست این که شاه مؤلفه‌های توسعه و پیشرفت را بدون هیچ تغییر و بدون این که با فرهنگ بومی عجین کند، از غرب الگوبرداری و وارد کشور می‌کرد. به باور نراقی، اشتباه و ایراد دوم شاه، از اولی نیز بدتر بود؛ محمدرضا پهلوی نه تنها در فرایند توسعه و مدرنیزاسیون شرایط داخلی را در نظر نمی‌گرفت و اجازه نمی‌داد این مقوله پس از ورود به ایران، با فرهنگ و شرایط کشور تطبیق پیدا کند؛ بلکه با دخالت‌های خود، عملاً مدرنیزاسیونی استبدادی ایجاد می‌کرد. تصور وی از واژه مدرنیزاسیون، تنها پیشرفت اقتصادی و سرازیر شدن ثروت و پول به کشور بود و عملاً وی هیچ درکی از توسعه همه‌جانبه و مهم‌تر از آن، خواسته‌های مردم نداشت. از این رو باید گفت که برنامه‌های پیشرفت و مدرنیزه شدن ایران از سوی شاه، به صورت یکجانبه و کاملاً استبدادی به پیش می‌رفت.

■ رویکرد تک‌بُعدی شاه

شاید بتوان یکی از بزرگ‌ترین اشتباهات شاه در روند مدرنیزاسیون ایران را، نگاه تک بعدی و از بالا به پایین وی دانست. نراقی بر این باور بود که محمدرضا پهلوی در فرایند مدرنیزاسیون نیز همچون پدرش، نگاه نظامی دارد و با یکه کردن دستورها، مانع از حرکت طبیعی مدرنیزاسیون و مهم‌تر از آن، برقراری دموکراسی و آزادی اندیشه در کشور می‌شود. به طور مثال، نراقی، دخالت‌های متعدد شاه در جریان فراماسونری را یکی از این موارد می‌دانست. به باور نراقی، حتی اگر قرار بود فراماسونری، متظاهرانه، در مسیر توسعه دموکراسی و پیشرفت گام بردارد، با دخالت‌های مستقیم و غیر مستقیم شاه، مسیر دیگری در پیش گرفت. به همین دلیل است که نراقی، خیانت‌های جریان فراماسونری در ایران را، تنها متوجه خود آن‌ها نمی‌دانست، بلکه آن را به شاه نیز، نسبت می‌داد. شاه با انتخاب شریف امامی به عنوان استاد اعظم فراماسونری در ایران، عملاً روند حرکت این جریان را تغییر داد؛ تا حدی که از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷، این جریان، به صورت علنی و نه سّری، به عنوان مبلّغ برنامه‌های رژیم عمل می‌کرد. البته فارغ از باور نراقی، حضور فراماسونرها در ایران، صرف نظر از اعتقاداتی که داشتند، آفت‌های بسیاری برای کشور داشت و خسارت‌های جبران ناپذیری در پی آورد.

■ واپسین دیدارها

در کنار تمامی این مسائل، نراقی در دیدارهایی که سال ۱۳۵۷ با شخص شاه داشت، به صراحت به وی اعلام می‌کرد که ابتدایی‌ترین اقدام برای عبور از مشکلات و توسعه کشور، رعایت قانون اساسی و بازگشت شخص شاه به قانون است. وی با طرح این موضوع، به شاه گوشزد می‌کرد که رعایت قانون از سوی شخص نخست مملکت، مهم‌ترین و نخستین اقدام در مسیر مدرنیزاسیون کشور است. علاوه بر این، فکر می‌کرد بسیاری از فسادها، مشکلات و تنگناهایی که رژیم پهلوی برای مردم ایجاد کرده است، با حرکت در مسیر قانون حل خواهد شد. در واقع، نراقی با طرح این مسئله، به دنبال این بود که به شخص محمدرضا پهلوی بفهماند، مدرنیزاسیون باید متناسب با شرایط داخلی کشور انجام شود نه با کپی‌برداری از غرب و رعایت قانونی که مختص مردم ایران تدوین شده، آغاز حرکت در مسیر توسعه و پیشرفت است. به‌طور کلی باید گفت نراقی معتقد بود که جامعه ایران در برخورد با مدرنیزاسیون پهلوی، دچار یک پارادوکس شده است. از یک سو، شاه با الگوبرداری صرف از فرایند توسعه در غرب، هیچ توجهی به فرهنگ و بومی‌گرایی آن در داخل نداشت و از سوی دیگر با دخالت‌های مکرر و اجرای دیکتاتورمآبانه این الگوها، به کلی امکان شکل‌گیری نهادهای مدنی و درپی آن، اجرای خواسته‌های مردم نیز از بین رفت. از این رو باید گفت که مدرنیزاسیون در رژیم پهلوی، همچون اقتصاد، سیاست، مسائل اجتماعی ـ فرهنگی و دموکراسی موفق عمل نکرد.

> نراقی اعتقاد داشت که شاه، اساساً تصور اشتباهی از مدرنیزاسیون دارد. وی دو ایراد اساسی به مدرنیزاسیون شاه وارد می‌کرد؛ نخست این که شاه مؤلفه‌های توسعه و پیشرفت را بدون هیچ تغییر و بدون این که با فرهنگ بومی عجین کند، از غرب الگوبرداری و وارد کشور می‌کرد. به باور نراقی، اشتباه و ایراد دوم شاه، از اولی نیز بدتر بود؛ محمدرضا پهلوی نه تنها در فرایند توسعه و مدرنیزاسیون شرایط داخلی را در نظر نمی‌گرفت و اجازه نمی‌داد این مقوله پس از ورود به ایران، با فرهنگ و شرایط کشور تطبیق پیدا کند؛ بلکه با دخالت‌های خود، عملاً مدرنیزاسیونی استبدادی ایجاد می‌کرد

منابع
۱- در خشت خام؛ گفت‌وگو با احسان نراقی، تهران، نشر ایران امروز، ۱۳۷۹.
۲- آن حکایت‌ها؛ گفت‌وگو و نقدهای هرمزکی با احسان نراقی، تهران، انتشارات جامعه ایرانیان، ۱۳۸۱.
۳- از کاخ شاه تا زندان اوین، ترجمه سعید آذری، تهران، نشر رسا، ۱۳۸۹.
۴- خاطرات علینقی عالیخانی وزیر اقتصاد ۱۳۴۱-۱۳۴۸، تهران، نشر آبی، ۱۳۸۱.

تاریخ انقلاب

زمینه‌های هجرت امام (ره) از نجف به پاریس

در پی انعقاد توافقنامه ۱۹۷۵ ایران و عراق، معروف به بیانیه الجزایر، دولت‌های ایران و عراق پذیرفتند برای تعیین حدود مرزی و برقراری امنیت و اعتماد متقابل و پایان دادن به هر نوع اخلال در روابط دو کشور، یک راه‌حل جامع و کامل را دنبال کنند و هرگونه خدشه به توافقات را مغایر با روح بیانیه الجزایر دانستند. به گزارش مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، معنای ضمنی توافقنامه الجزایر این بود که رژیم شاه در قبال مسئله کُردهای عراق، سیاست حمایت‌آمیز خود را کنار بگذارد و در عوض، از دولت عراق انتظار داشت که فعالیت‌های امام (ره) را محدود و از آن جلوگیری کند. در همین زمینه، نشست‌ها و گفت‌وگوهایی میان وزرای خارجه و مقامات امنیتی دو کشور برگزار شد. در همین حال، با تشدید بحران سیاسی در ایران، در پی برگزاری مراسم بزرگداشت شهید حاج آقا مصطفی خمینی، در شهرهای مختلف، رژیم برای جلوگیری از فراگیر شدن اعتراضات، با یک اقدام نابخردانه، مقاله اهانت‌آمیزی علیه امام (ره) در روزنامه اطلاعات، در دی ماه ۱۳۵۶ منتشر کرد تا به زعم خود، به مقابله با تبلیغات طرفداران نهضت اسلامی بپردازد. این اقدام، کار رژیم را سخت‌تر کرد و باعث بروز قیام روز ۱۹ دی ماه در شهر قم شد. در پی این واقعه، دامنه صدور اعلامیه و سخنرانی‌های امام (ره) نیز افزایش یافت، به‌طوری که این اعلامیه‌ها و متن سخنان ایشان، با سرعت بیشتری نسبت به گذشته به ایران می‌رسید. سرعت ارسال و توزیع اعلامیه‌های امام (ره) در ماه‌های آخر سال ۱۳۵۶ باعث انتقاد مقامات امنیتی ایران از دولت عراق شد. مقامات دولتی و امنیتی عراق با مراجعه به امام (ره)، در چند نوبت، از ایشان خواستند فعالیت‌های سیاسی خود را متوقف کند. حتی در یک نامه مکتوب اتمام حجت گونه که تاریخ دقیق آن معلوم نیست، این موضوع را مطرح کردند؛ ولی امام (ره) بدون اعتنا به این تذکرات، فعالیت‌های خود را دنبال می‌کرد. به دنبال مواضع آشتی‌ناپذیر امام (ره)، منزل ایشان در نجف، از اوّل مهر ۱۳۵۷ به صورت رسمی و علنی، به محاصره نیروهای امنیتی عراق درآمد و مأموران از آمد و رفت افراد به بیت ایشان جلوگیری کردند و به این ترتیب، ارتباط امام (ره) با خارج از منزل قطع شد. ایشان در اعتراض به این رفتار ناشایست، از رفتن به مسجد برای ادای نماز جماعت و تشرف به حرم حضرت علی (ع)، خودداری ورزید. انتشار اخبار مربوط به محاصره منزل امام (ره)، خشم و انزجار و اعتراض عمومی قشرهای مختلف مردم ایران را در پی داشت. هرچند مدت کوتاهی سیاست رژیم بعثی به سبب اعتراضات، اندک تغییری یافت، اما امام (ره) تصمیم گرفت از عراق خارج شود. مقصدی که امام (ره) با پیشنهاد شاگردان و اطرافیان برگزید، ابتدا کویت بود؛ اما وقتی این امر میسر نشد، به پاریس رفت و تا پیروزی انقلاب اسلامی، در این شهر اقامت گزید.

دپارتمان داستان‌نویسی
برگزار می‌کند:

داستان‌نویسی مقدماتی — فرحان نوری
داستان‌نویسی پیشرفته — فرحان نوری
دیالوگ و شخصیت ۱ — هادی تقی‌زاده
فضاسازی و پلات ۱ — هادی تقی‌زاده
راوی اول شخص و ترکیب‌بندی متن — علی موسی‌زاده

مدیر دپارتمان: علی موسی‌زاده
شرایط کلاس‌ها و ثبت نام اینترنتی: edu-kh.ir

خراسان
مرکز آموزش تخصصی رسانه
edu-kh.ir
بلوار شهید صادقی (سازمان آب) - صادقی ۱۸ - شماره ۲۵
۳۷۰۰۹۲۲۵

ثبت نام ترم پاییز تا ۲۰ مهر ۱۳۹۷
م/۹۷۱۱۱۴۵۹

صفحه آرایی
واحد صفحه‌آرایی روزنامه خراسان
سفارش می‌پذیرد
۰۵۱۳۷۰۰۹۳۹۰
layout@khorasannews.com

جناب سرهنگ حمید فنایی
معاون محترم مهندسی نیروی انتظامی خراسان رضوی
ضمن گرامیداشت هفته ناجا
انتصاب جنابعالی را تبریک عرض می کنم.
دکتر کیانی
م/۹۷۱۱۱۱۳۶

نگار عزیز
توفیقت را در مطالعه بیش از ۳۰۰ جلد کتاب
در سن ۹ سالگی تبریک می گوییم.
پدر، مادر و برادرت (فرزام مقدم)
م/۹۷۱۱۱۵۸۵

جناب آقای دکتر احمدی
مدیر کل محترم دامپزشکی استان خراسان شمالی
جناب آقای دکتر بربند
ریاست محترم دامپزشکی شیروان
۱۴ مهر ماه روز دامپزشکی بر شما و همکاران پر تلاشتان مبارکباد
گروه تولیدی یادگار
م/۹۷۱۱۱۱۲۲

جناب آقای دکتر امین احمدی

فارغ التحصیلی در مقطع دکترای روزانه
رشته فیزیولوژی ورزشی عصبی-عضلانی دانشگاه حکیم سبزواری
را به شما تبریک گفته و برایتان آرزوی موفقیت داریم
پدر و مادرت-همسر، برادر و خواهرانت
ق/۹۷۱۱۱۱۰۷

پذیرش غیرحضوری آگهی‌های تبریک، تقدیر و تشکر
پذیرش تلفنی :
۳۷۰۰ ۹۹۹۹
پذیرش تلگرامی :
۰۹۱۵۴۷۱۱۳۰۰
م/۹۷۱۰۹۲۷۰